

Abstract

The Prophet is the truth and following him awakens human beings and achieves human perfection. Such interpretations in Rumi's poems have shown him to be the end of creation and the manifestation of the perfect man. Rumi's school and way of life will never find meaning without love, and this love must be accompanied by the love of the Prophet. This love is a continuation of divine love and mysticism, and the goal of Rumi lies in this point. This article descriptively-analytically and comparatively and using the library method has studied the character of the Prophet (ﷺ) in Rumi's poems in the framework of Quranic verses and interpretations. Rumi considers the attainment of perfection and knowledge as well as happiness in following the Prophet (ﷺ) and continuing his path. It should be noted that the image of this divine figure in Rumi's poems is completed with his miracles according to Quranic verses. Among the hospitality, nearness to the truth, intercession of God and God's creation, guidance of the Prophet (ﷺ) are some of the things that have appeared in the light of Quranic interpretations in Rumi's poems. According to Rumi, it is not enough to accept the divine verses, including the verses related to the Prophet (ﷺ), but in the light of these verses and divine knowledge, one must believe in the miracles of the prophets, including the miracles of the Holy Prophet (ﷺ). It should be noted that the character of Prophet Mohammad (ﷺ) is the beacon of the mystic and his miracles are like a stronghold that protects the mystic from danger. According to Rumi, a miracle is a divine will and destiny that has been bestowed on prophets, including the Holy Prophet (ﷺ), for their personality.

key words:

Character of the Holy Prophet (ﷺ), Rumi, Quran, Mystical Poems, Miracles, Interpretations, Spiritual Masnavi

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
 سال پنجم، شماره ده، دی ۱۴۰۱، صص ۲۵۳۴-۲۵۲۶
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.312981.2567>

شخصیت شناسی پیامبر اکرم (ﷺ) در مثنوی مولوی در پرتو تفاسیر قرآن کریم

زهره حسنونند^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

محمدحسین توانایی سره دینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

محمدرضا موحدی^۳

محمدعلی ایازی^۴

چکیده

پیامبر حق است و پیروی از او موجب بیداری انسان ها و رسیدن به کمالات انسانی می باشد. تفاسیری از این قبیل در اشعار مولوی او را غایت آفرینش و مظهر انسان کامل نشان داده است. مکتب و طریقت مولانا بدون وازه عشق هرگز معنا پیدا نمی کند و این عشق باید توأم با عشق پیامبر باشد. این عشق دنباله رو عشق الهی و عرفان است و غایت هدف مولانا در همین نکته نهفته است. این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی و مقایسه ای و با استفاده از روش کتابخانه ای به بررسی شخصیت پیامبر (ﷺ) در اشعار مولانا در چارچوب آیات و تفاسیر قرآنی پرداخته است. مولانا رسیدن به کمال و معرفت و همچنین سعادت را در پیروی از پیامبر (ﷺ) و ادامه طریقت او می داند. باید توجه کرد که تصویر این شخصیت الهی در اشعار مولوی با توجه به آیات قرآنی با معجزاتش تکمیل می شود. از جمله سائل نوازی، تقرب به حق، واسطه ی خدا و خلق خدا بودن، هدایتگری پیامبر (ﷺ) مواردی هستند که در پرتو تفاسیر قرآنی در اشعار مولانا جلوه یافته اند. در نظر مولوی تنها پذیرش آیات الهی از جمله آیات مرتبط با پیامبر (ﷺ) کافی نیست بلکه باید در پرتو این آیات و معرفت الهی به معجزات پیامبران از جمله معجزات پیامبر اکرم (ﷺ) ایمان آورد. باید توجه داشت که سیره و شخصیت حضرت محمد (ﷺ) چراغ مسیر عارف بوده و معجزات ایشان همانند دژ مستحکمی است که عارف را از مخاطرات مصون می سازد. از دیدگاه مولوی معجزه خواست و تقدیر الهی است که به پیامبران از جمله پیامبر اکرم (ﷺ) به جهت شخصیت آنان عطا شده است.

کلمات کلیدی

شخصیت پیامبر اکرم (ﷺ)، مولانا، قرآن، اشعار عرفانی، معجزه، تفاسیر، مثنوی معنوی

دانشجوی دکتری، گروه علوم و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران^۳

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران^۴

مقدمه

بررسی و تحلیل شخصیت های تاریخی، عرفانی و فلسفی از دیرباز مورد توجه عرفا و شاعران غربی و شرقی بوده است. داستان پیامبران مثال و مظهر عینی و محسوس حوادث مکرر و مستمر نفسانی و انسانی است. حیات آن ها تنها حادثه ای تاریخی که یک بار اتفاق افتاده و تمام شده باشد، نیست بلکه حادثه ای است که در وجود هر کس و در هر زمان تکرار می شود و نقد هستی آدمی است. بنابراین تاریخ یکسره داستان حیات و ممات انسانهای آزاده ای است که می توانند الگوی هم نسلی های خود و اسطوره ی نسل های پسین خود باشند، لذا نام، گفتار، رفتار و کردار، ارزشهای اخلاقی و باورهای اعتقادی آنها در صفحات تاریخ به یادگار مانده است؛ چنانچه نام رفیع پیامبررحمت، نه تنها در دل تاریخ که برتارک زبان شاعرانه، بیان عارفانه و زمزمه های ادیبانه و عاشقانه ی نامداران فارسی زبان به زیبایی نشسته است و سراچه ی دلهای پاکشان و قلم گهر بارشان را با ذکر پیامبر(ﷺ) صیقل می دادند. پیامبر(ﷺ) غایت و هدف همه ماموریت های پیامبران قبل از خود است و به عنوان آخرین پیامبر الهی، قدم در راهی می گذارد که کامل کننده دین و تمام کننده همه نعمت های خداوند است. لذا در این مقاله ابتدا شخصیت پیامبر(ﷺ) را از منظر سیره بررسی خواهیم نمود سپس این شخصیت بزرگوار را در سیمای مثنوی معنوی و از منظر قرآن از نظر خواهیم گذراند. در ادامه ویژگی های ایشان را با بهره گیری از مثنوی مولانا و تفاسیر موجود معجزات آن بزرگوار را بررسی خواهیم نمود. در این مقاله به صورت کتابخانه ای منابع موجود و دست اول در این زمینه را بررسی نموده و با تطبیق آیات قرآنی مرتبط و با مراجعه به تفاسیر مثنوی و قرآنی به تحلیل اشعار مولانا در پرتو آیات قرآنی پرداخته ایم. فحوای اشعار مولوی با آن شور معنوی نویسنده مقاله را بر آن داشت که درباره شخصیت پیامبر(ﷺ) در مثنوی در پرتو آیات قرآنی تحقیقی انجام دهد و نشان دهد که مولانا بر خلاف اظهارات غرض ورزانه نه تنها اهل دین بوده بلکه پیامبر(ﷺ) این دین را نعت و ستایش نموده و اگر هم صوفی گری در پیش گرفته، در پرتو اسلام و قرآن بوده و عشق و عرفان الهی را راهی برای وصال به خدا دانسته و پیامبر اکرم (ﷺ) را وسیله رسیدن به این عشق و عرفان می داند. در این راستا کتاب هایی که انتشار یافته و به شرح ابیات مثنوی پرداخته اند به شرح ذیل می باشند که مهم ترین آنها که درباره آیات قرآنی مرتبط شخصیت با پیامبر (ﷺ) و تطبیق این آیات با اشعار مولوی می باشند، عبارت اند از: کتاب از دریا به دریا اثر علامه جعفری، شرح مثنوی معنوی اثر ناهید عبقری، مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی اثر محمدرضا لاهوری و تفسیر مثنوی مولوی اثر جلال الدین همایی. داستان پیامبران مثال و مظهر عینی و محسوس حوادث مکرر و مستمر نفسانی و انسانی است. حیات آن ها تنها حادثه ای تاریخی که یک بار اتفاق افتاده و تمام شده باشد، نیست بلکه حادثه ای است که در وجود هر کس و در هر زمان تکرار می شود و نقد هستی آدمی است. بنابراین تاریخ یکسره داستان حیات و ممات انسانهای آزاده ای است که می توانند الگوی هم نسلی های خود و اسطوره ی نسل های پسین خود باشند، لذا نام، گفتار، رفتار و کردار، ارزشهای اخلاقی و باورهای اعتقادی آنها در صفحات تاریخ به یادگار مانده است؛ چنانچه نام رفیع پیامبررحمت، نه تنها در دل تاریخ که برتارک زبان شاعرانه، بیان عارفانه و زمزمه های ادیبانه و عاشقانه ی نامداران فارسی زبان به زیبایی نشسته است و سراچه ی دلهای پاکشان و قلم گهر

بارشان را با ذکر پیامبر (ﷺ) صیقل می دادند. پیامبر (ﷺ) غایت و هدف همه ماموریت های پیامبران قبل از خود است و به عنوان آخرین پیامبر الهی، قدم در راهی می گذارد که کامل کننده دین و تمام کننده همه نعمت های خداوند است. لذا در این مقاله ابتدا شخصیت پیامبر (ﷺ) را از منظر سیره بررسی خواهیم نمود سپس این شخصیت بزرگوار را در سیمای مثنوی معنوی و از منظر قرآن از نظر خواهیم گذراند. در ادامه ویژگی های ایشان را با بهره گیری از مثنوی مولانا و تفاسیر موجود معجزات آن بزرگوار را بررسی خواهیم نمود. در این مقاله به صورت کتابخانه ای منابع موجود و دست اول در این زمینه را بررسی نموده و با تطبیق آیات قرآنی مرتبط و با مراجعه به تفاسیر مثنوی و قرآنی به تحلیل اشعار مولانا در پرتو آیات قرآنی پرداخته ایم. فحوای اشعار مولوی با آن شور معنوی نویسنده مقاله را بر آن داشت که درباره شخصیت پیامبر (ﷺ) در مثنوی در پرتو آیات قرآنی تحقیقی انجام دهد و نشان دهد که مولانا بر خلاف اظهارات غرض ورزانه نه تنها اهل دین بوده بلکه پیامبر (ﷺ) این دین را نعت و ستایش نموده و اگر هم صوفی گری در پیش گرفته، در پرتو اسلام و قرآن بوده و عشق و عرفان الهی را راهی برای وصال به خدا دانسته و پیامبر اکرم (ﷺ) را وسیله رسیدن به این عشق و عرفان می داند. در این راستا کتاب هایی که انتشار یافته و به شرح ابیات مثنوی پرداخته اند به شرح ذیل می باشند که مهم ترین آنها که درباره آیات قرآنی مرتبط شخصیت با پیامبر (ﷺ) و تطبیق این آیات با اشعار مولوی می باشند، عبات اند از: کتاب از دریا به دریا اثر علامه جعفری، شرح مثنوی معنوی اثر ناهید عبقری، مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی اثر محمدرضا لاهوری و تفسیر مثنوی مولوی اثر جلال الدین همایی.

۱- شخصیت پیامبر اکرم (ﷺ)

مطالعات و تحقیقات نشان داده است که رسول خدا شخصیت بزرگواری است که در طول تاریخ کسی همانند او با چنین تاثیرات شگرفی پای در هستی نگذاشته است. ایشان با امکانات کم و با صداقت تمام، بشریت را در وادی نور و رحمت قرار داد. ایشان با رفتار، سیره و منش خود چنان تسخیری در قلب ها می نمود که دل ها را به سوی خود جذب و دل ها را فتح می کرد. زندگی ایشان چه قبل از بعثت و چه بعد از بعثت همواره الگوی همشهریان خود بود. چنانکه لقب او را امین گذاشته بودند. مردمان و اطرافیان او حتی قبل از بعثت برای داوری عادلانه به نزد او می رفتند و او را امین خود قرار می دادند.

همچنین تحقیقات چنین نشان داده است که او کوچکترین نقطه ضعف اخلاقی در این دوره طولانی از زندگی، از خود بر جای نگذاشته و هرگز به کارهای ناپسند و زشت روی نکرده بود. مهم ترین ویژگی او راستگویی اش بود. شخصیت استوار او که مردمان در جاهلیت بدان دلیل لقب «امین و درستکار» را به وی داده بودند، پشتوانه اخلاقی دعوت توحیدی اش بود. رسول خدا برای اثبات رسالت الهی اش به صداقت خود استدلال می کرد؛ چرا که مردمان بر اساس همین صداقت با یکدیگر زندگی

کرده و اطمینان به گفتارهای همدیگر دارند. زمانی که آن حضرت بیست و پنج سال داشت ابوطالب در خطبه عقد رسول خدا گفت: در میان قریش هیچ جوانی وجود ندارد که در انواع کمالات با او برابری کند. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۸)

۲- شخصیت پیامبر اکرم (ﷺ) در مثنوی معنوی

به نظر می‌رسد سبک مثنوی، سبک قرآن است و از داستانی به داستانی دیگر می‌رود و گاهی اشعار حکایت‌های اصلی بیشتر می‌شود. در این حکایت‌های مولانا وجود گرانقدر پیامبر (ﷺ) سهمی به سزا دارد و خورشیدوار می‌درخشد و از فروغ بی‌نهایت خود جهانی را درخشان می‌سازد. گاهی مستقیماً و گاهی غیرمستقیم از پیامبر اعظم (ﷺ) یاد می‌کند و وقتی می‌خواهد نام پیامبر (ﷺ) را بیاورد، بیشتر از نام «احمد» استفاده می‌کند

چهره پیامبر (ﷺ) در مثنوی وقتی به صورت آشکار نمایان می‌شود که مولانا به قرآن نزدیک می‌شود. مولانا اتکای به خداوند را از پیامبر (ﷺ) وام گرفته است. همچنین این موضوع که تمامی اعضای جهان هستی در ارتباط با یکدیگر هستند، محصول تأثیرپذیری مولانا از پیامبر اعظم (ﷺ) است. انسانیت، مکارم اخلاقی، شایستگی و تذهیب نفس پیامبر (ﷺ) از موضوعاتی است که در مثنوی فراوان مطرح شده است. (افضلی، ۱۳۸۸)

۳-۱- مولانا و رابطه با خدا

چهره پیامبر (ﷺ) در مثنوی وقتی به صورت آشکار نمایان می‌شود که مولانا به قرآن نزدیک می‌شود. مولانا اتکای به خداوند را از پیامبر (ﷺ) وام گرفته است. همچنین این موضوع که تمامی اعضای جهان هستی در ارتباط با یکدیگر هستند، محصول تأثیرپذیری مولانا از پیامبر اعظم (ﷺ) است. انسانیت، مکارم اخلاقی، شایستگی و تذهیب نفس پیامبر (ﷺ) از موضوعاتی است که در مثنوی فراوان مطرح شده است. (افضلی، ۱۳۸۸)

۳- توصیف پیامبر (ﷺ) در مثنوی معنوی مبتنی بر آیات قرآن

تحقیقات نشان می‌دهد که برای مولوی پیامبر (ﷺ) زیباترین و والاترین چهره ای است که خداوندگار با گردش قلم خویش در صفحه خلقت آفریده است. از منظر مثنوی هیچ پیامبری مانند پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) در چشم خداوند عظیم و عزیز نیست. چنانچه میدانیم خدای سبحان در قرآن کریم وقتی می‌خواهد پیامبران بزرگ خود را مورد خطاب قرار دهد، آنان را با نام شان صدا می‌زند. مانند: یا یحیی یا عیسی، اما وقتی می‌خواهد حبیب خود پیامبر اکرم (ﷺ) را مورد خطاب قرار دهد، با لقب پرافتخار نبوت و رسالت از پیامبر (ﷺ) نام می‌برد. مانند: یا ایها النبی، یا ایها الرسول. زیرا رسالت جامه ایست که به قامت رفیعش برانده است. او خاتم رسولان است و شایسته‌ی خوانده شدن به مقام نبوت. همچنین همه‌ی جهان و جهانیان که در پرتو اسم اعظم خداوندی آفریده شدند و حتی پیامبران بزرگ الهی، اما پیامبر (ﷺ) نه تنها مظهر اسم اعظم الهی است بلکه

خود اسم اعظم است و بهانه ی آفرینش هستی. (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۸) از سوی دیگر خدای سبحان ایشان را به مانند بزرگی ذات خویش به عظمت اخلاقی می ستاید و می فرماید: " و انک لعلی خلق عظیم" مولوی نیز در بخشی از ابیات مثنوی به نشان دادن سیمای پیامبر (ﷺ) در قرآن می پردازد چنانچه بیان داشته است:

از درم ها نام شاهان بر کنند نام احمد تا ابد بر میزند

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست

(مولوی، ۱۳۹۵، دفتر اول: ابیات ۱۱۰۶-۱۱۰۵)

۴-۱- سائل نوازی

خداوند بزرگ در سوره مبارکه ضحی (۹۳)، آیه دهم خطاب به پیامبر (ﷺ) چنین می فرماید: ((و اما سائل فلا تنهر)) و اما گدا را مران.^۲

درباره گدا و سائل به پیامبر (ﷺ) سفارش های زیادی شده است. سائل در این آیه، یا به معنای مطلق سائل است و یا کسی که طالب علم است. (رازی، ج ۱۶: ۲۲۰ و ج ۱۰: ۵۲۹)

۴-۳- پیامبر (ﷺ) واسطه ی خدا و خلق خدا

در این میان وساطت پیامبران یعنی بین خدا و انسان حجابی نیست زیرا جسم پیامبران مبدل شده و ماهیت تنی از آنها برخط بر بسته آنها عاشقانه خداوندند و به ابری شباهت دارند که تنها از روی ماه گذر نمی کند و روی آن را نمی پوشاند بلکه انتقال انبار حق را آسان تر می کند.

من نخواهم لطف مه از واسطه که هلاک قوم شد این رابطه

یا مگر ابری بگیرد خوی ماه تا نگردد او حجاب روی ماه

صورتش بنماید او در وصف لا همچو جسم انبیاء و اولیا

آنچنان ابری نباشد پرده بند پرده در باشد به معنی سودمند

آنچنانک اندر صباح روشنی قطره می بارید و بالا ابر نی

معجزه پیغمبری بود آن سقا گشته ابر از محوهرنگ سما

^۱ . سوره قلم، آیه ۴

^۲ . ضحی ۹۳، آیه ۱۰

(مولوی، ۱۳۹۵، دفتر پنجم: ابیات ۷۰۲-۷۰۷)

۴- معجزات پیامبر (ﷺ)

یکی از بخش‌های مهمی که در مثنوی مولوی به آنها اشاره شده است، بحث معجزات پیامبر (ﷺ) است. به تعبیر مولوی از آنجا که پیامبر نایب حق بر روی زمین است، لازم بود با خود معجزاتی نیز داشته باشد که همه مردم در برابر حق به واسطه مشاهده آنها تسلیم حقیقت شده، رسالت ایشان را که به واسطه‌ی وجود سراسر حیات بخش پیامبر، منشا خیر و برکات بود بپذیرند.

این الم و حم این حروف	چون عصای موسی آمد در وقوف
حرفها ماند بدین حرف از برون	لیک باشد در صفات این زیون
هر که گیرد او عصایی زمتحان	کی بود چون آن عصا وقت بیان
عیسوی است این دم نه هر بادو دمی	که براید از فرح یا از غمی
این الم و حم ای پدر	آمده ست از حضرت مولی البشر
هر الف لامی چه می ماند بدین	گر توجان داری بدین چشمش مبین
گرچه ترکیبش حروف است ای همام	می بماند هم به ترکیب عوام
هست ترکیب محمد لحم و پوست	گرچه در ترکیب هر تن جسم اوست
گوشت دارد پوست دارد استخوان	هیچ این ترکیب را باشد همین
کاندر آن ترکیب آمد معجزات	همه ترکیب‌ها گشتند مات

(مولوی، ۱۳۹۵، دفتر پنجم: ابیات ۱۳۲۳-۱۳۲۵)

۱-۵- قرآن

مولانا در ارتباط با قرآن گوید:

گفتی که تو در میان نباشی آن گفت تو هست عین قرآن

در این بیت «گفت» مصدر مرخم است به معنی «گفتن». بر این اساس او بر این است که پیامبر (ﷺ) در بی‌خویشی سخن می‌گفته است. خدازی و خدازده بود و در لحظات وحی شور و جذبه قدسی بر او حکومت می‌کرد. مولانا در این غزل می‌گوید اگر کسی در ناهوشیاری قدسی سخن بگوید گفته‌های او وحی آمیز و مانند قرآن است. از نظر وی قرآن شرح حال پیامبران است و اگر کسی

می خواهد با آنان همگام شود باید با قرآن انس بگیرد، چون از نظر بعضی از عارفان انبیا مراتب مختلف کمال آدمی هستند و آنچه در قرآن آمده وجوه مختلف وجود آدمی است؛ آدمی گاه در مقام یوسف(ع) است، گاه در مقام فرعون و گاه در مقام موسی(ع)، حکایت لطیف خداوند بازگوی داستان روح آنان است. می توان مثلی را تصور کرد که در رأس آن پیامبر(ﷺ) قرار دارد و در دو گوشه دیگرش شمس و مولانا در فراز های بسیاری از مثنوی و به ویژه غزلیات شمس طرحی ظریف از این مثلث دیده می شود. از نظر مولانا پیامبر(ﷺ) تفسیر "والضحی" است؛ از آن سو شمس تبریزی هم خورشید حیات مولوی است؛ او از یک سو روی در شمس دارد و از سویی روی در پیامبر(ﷺ)، پس به درستی می گوید: رسول آفتابم. همانگونه که پرتوی از انوار علوی است "از تو بر من تافت."

۵- رحلت پیامبر اکرم(ﷺ) و قیامت

او در وصف پیامبر(ﷺ) می گوید : او قیامت است؛ چون زاده ثانی است دو بار متولد شده است. از حضرت عیسی(ع) نقل است کسی که دو بار به دنیا نیاید به ملکوت خداوند وارد نمی شود. دو بار به دنیا آمدن آن روی سکه دو بار مردن است؛ همان تعبیر که در حدیث نبوی «موتوا قبل ان تموتوا» نهفته است. اگر کسی دو بار بمیرد و به تعبیر مولوی زاده تان باشد خود قیامت است. قیامت بتنی تجسم باطن انسان کامل، قیامت زمانی است که همه چیز با معیار وجود میزان کامل سنجیده می شود و میزان کامل کسی جز ولی مطلق خداوند نیست. (علیزاده و مختاری، ۱۳۹۸)

زائک حل شد در فنای حل و عقد	پس محمد صد قیامت بود نقد
صد	زاده ثانیست احمد در جهان
ای	قیامت بود او اندر عیان
که	ز قیامت را همه پرسیده اند
رمز موتوا قبل	قیامت تا قیامت راه چند
زان طرف آورده ام	با زبان حال می گفتم بسی
دیدن هر چیز	ز محشر حشر را برسید کسی
	بهر این گفت آن رسول خوش پیام
	مون با کرام
	هم چنانک مرده ام من قبل موت
	این صیت و صوت
	پس قیامت شو قیمت را ببین
	را شرط است این

نتیجه گیری

با بررسی های صورت گرفته می توان دریافت که مولوی با احاطه کاملی که از قرآن دارد، با نائل شدن به درجه شهود به خوبی از این کلام الهی در اشعارش نهایت استفاده را برده است. او در ابیات مختلف مثال های گوناگونی را از زندگی و سیره نبی مکرم خدا به نظم می کشد و با بهره گیری از آیات الهی معجزات او را حاصل کرامت و به کمال رسیدن ایشان در مکارم اخلاق چه در قالب زمینی و چه در قالب الهی می داند. برای نمونه او شق القمر را نشانه قدرت خدایی می داند که به سبب والا بودن مقام انسانی پیامبر اکرم (ﷺ) این قدرت را به ایشان می بخشد و جلوه نورانی و الهی خود را در قالب پیامبر رحمت به اطرافیان نشان می دهد. در فرازهای دیگری از اشعار خود به قرآن اشارات زیادی داشته و برای درک خداوند و انس با او همیشه باید با قرآن همگام بود. از نظر مولانا پیامبر (ﷺ) تفسیر "والضحی" است؛ از آن سو شمس تبریزی هم خورشید حیات مولوی است؛ او از یک سو به شمس اشاره می کند و از سوی دیگر به پیامبر، پس رسول، آفتاب تجلی گفتار او در قالب شعر است.

لذا با بررسی مثنوی و علی الخصوص اشعار قرآنی مولانا در مورد پیامبر (ﷺ) و کتب تفسیر در ارتباط با این موضوع، می توان گفت که سبک مثنوی، سبک قرآن است و از داستانی به داستانی دیگر می رود و گاهی اشعار حکایت های اصلی بیشتر می شود. در این حکایت ها مولانا وجود گراندقدر پیامبر (ﷺ) سهمی به سزا دارد و خورشیدوار می درخشد و از فروغ بی نهایت خود جهانی را درخشان میسازد. گاهی مستقیماً و گاهی غیرمستقیم از پیامبر اعظم (ﷺ) یاد می کند و وقتی می خواهد نام پیامبر (ﷺ) را بیاورد، بیشتر از نام «احمد» استفاده می کند. با بررسی محتوای این اشعار می توان ویژگی هایی از جمله انسانیت، مکارم اخلاقی، شایستگی و تهذیب نفس در مورد پیامبر (ﷺ) به وفور دید. در اندیشه های مولانا، پیامبر (ﷺ) سمبل نور انسانیت و جلوه کمال انسانی است. مولوی در این اشعار چه از منظر وزن و آهنگ اشعار و چه از نظر محتوا و درون مایه اشعار، نعت پیامبر (ﷺ) را به حد اعلی و نکوهش دشمنان او را به حد ادنی رسانیده است. به راحتی می توان گفت که آیه قرآنی را در قالب دیگری (یعنی شعر) ارائه می دهد و در پس پرده این اشعار، سعی در شناساندن شخصیت پیامبر (ﷺ) و پند و موعظه مخاطب و تشویق او برای الگو قرار دادن پیامبر اکرم (ﷺ) در همه جوانب زندگی را دارد.

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

- ۲- جعفریان، جعفر و حیدری، پرویز، سیمای پیامبر (ﷺ) در مثنوی مولوی، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹
- ۳- جعفریان، رسول، سیری در سیره نبوی، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۴- خوانساری، محمد، مولانا در پیشگاه رسالت، نامه شهیدی (جشن نامه استاد دکتر سید جعفر شهیدی) به اهتمام علی اصغر محمدخانی، ویراسته حسن انوشه، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴
- ۵- رازی، فخر الدین، تفسیر کبیر، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۱ ق
- ۶- رفیعی محمدی، ناصر، سیره تبلیغی پیامبر اعظم (ﷺ) در توحید و معاد، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۵
- ۷- سیدی، سید حسین، همنام گلهای بهاری: نگاهی نو به زندگی و شخصیت پیامبر گرامی (ص)، اشکذر: انتشارات نسیم اندیشه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹